

شیفتگان خدمت



«سپاه در تاریخ شناخته شده ی ما، یک پدیده کم نظیر و شاید بی نظیر است.»
(امام خامنه ای)

پس از به ثمر نشستن نهال انقلاب اسلامی و اسقاط رژیم دژخیم پهلوی بروز وقایعی چند، ضرورت تشکیل یک نهاد نظامی در کنار ارتش را ایجاد نمود؛ چرا که از یک سو بسیاری از سران ارتش به واسطه ی اقدامات مذبوحانه شان در رژیم سابق، یا از کشور متواری شده بودند و یا در چنگال عدالت گرفتار آمده بودند و بدینگونه شیرازه و قوام ارتش، متزلزل گشته بود.

از دیگر سوی، گروهک های تجزیه طلب با استفاده از شرایط به وجود آمده و از بین رفتن هارمونی ارتش، در اقصی نقاط کشور سر برآورده، دست به مبارزه ی مسلحانه علیه نظام و اخلال در امنیت زدند. افزون بر این، ایالات متحده نیز که ژاندارم خود را در منطقه ی جنوب غرب آسیا از دست رفته می دید، هر آینه در صدد واژگون نمودن جمهوری اسلامی و بازگرداندن شاه مخلوع، به قدرت بود.

مجموع عوامل فوق سبب شد تا امام راحل عظیم الشان با اتخاذ تدبیری داهیانسه، طی صدور فرمانی به تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، حکم به تشکیل نهاد مقدسی با نام «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» دهند تا برادران ارتشی خود را در امر حفاظت از کیان و تمامیت جمهوری اسلامی، یاری دهند و رویای دشمنان مبنی بر براندازی نظامی انقلاب را به خوابی بدون تعبیر مبدل سازند.

در فاصله ای اندک از این اقدام، صدام حسین به تحریک و حمایت ایالات متحده، مامور تسخیر ایران گشت و جنگ را به ایران تحمیل نمود و بروز این واقعه، درستی پیش بینی و تحلیل حضرت امام را که بر پایه ی آن مبادرت به ایجاد سپاه نموده بودند، مبرهن ساخت.

دفاع مقدس، اولین آزمون جدی سپاه بود که علیرغم نوپایی و همچنین، بدیع و بی بدیل بودن

ساختار و سازوکارهای این نهاد، پاسداران رشید اسلام در انجام وظایف محوله، آنچنان خوش درخشیدند و حماسه آفریدند که بنیان گذار کبیر انقلاب در وصف آنان فرمود: «اگر سپاه نبود؛ کشور هم نبود»

در سال ۶۷، آتش جنگ نظامی، فروخوابید اما این به معنای پایان مواجهه ی دشمن با انقلاب نبود و عرصه ی نبرد، معطوف به مسائل فرهنگی و اقتصادی گشت و این امر به معنای ماموریتی جدید برای سپاه پاسداران بود که به مقابله با تهدیدات فرهنگی و جنگ اقتصادی بپردازد.

انجام خدمات تولیدی و جهاد سازندگی، ماموریتی است که به موجب ماده ۱۰ اساسنامه سپاه پاسداران، در زمان صلح به این ارگان انقلابی محول گشته است و توسط قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء(ص) اجرایی می گردد.

مع هذا، پر واضح است که اقدامات مزبور، نبایست ماهیت نظامی و آمادگی های دفاعی سپاه را که مهم ترین کار ویژه ی این نهاد محسوب می گردد، تحت الشعاع قرار دهد و آن را از هدف اصلی خود باز دارد و رویه ی سپاه نیز خود، موید این معناست.

اینک اما دشمنان این انقلاب که سپاه پاسداران را مهم ترین مانع تحقق تمنیات پلید خود در ایران و منطقه می دانند، تمام توش و توان خویش را در جهت خدشه دار نمودن جایگاه سپاه مصروف می دارند و از آن جمله، متهم نمودن سپاه به «بنگاهداری اقتصادی» است.

آنچه که در تحلیل مغرضانه مزبور، عامدانه، مغفول واقع شده است ماهیت پروژه های است که سپاه پاسداران، انجام آن را به عهده می گیرد. به دیگر سخن، سپاه صرفا پروژه هایی را اجرا می نماید که هیچ پیمانکاری از نظر قدرت تکنولوژیک قادر به انجام آن نبوده و یا باید آن را به دست شرکت های خارجی سپرد و با عطای طرح را به لقایش بخشیده، از اجرای آن صرف نظر نمود.

دسته ی دیگر از پروژه هایی که سپاه، مبادرت به اجرای آن می نماید؛ مواردی است که فاقد صرفه ی اقتصادی است و بخش خصوصی راغب به

پذیرش آن نیست. فلذا قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران، رقیب و مانع پویایی بخش خصوصی نیست بلکه به عنوان متمم و مکمل این بخش، فعالیت می نماید.

آری، اینان به تعبیر شهید بهشتی(رحمه الله)، «شیفتگان خدمت» اند و نه «تشنگان قدرت»

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

نشریه ی مستقل دانشجویی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی سال اول، شماره ی چهارم

شماره ی مجوز: ۹۴۳۴۷۵
سردبیر و مدیر مسئول: محمد سعید ابراهیمی

هیئت تحریریه:

آقایان: سیدسعید حبیبزاده، آبتین نورانی،
محمدصادق اکبری، محمدسعید ابراهیمی
خانم ها: الهه سادات حسینی، صالحه رضایی،
فاطمه حسنزاده، گلثوم گلی

طراح و صفحه آرا:
ابوالفضل عباسی و احمد قربانی پور

ارتباط با ما

...لطفا انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات

خود را با ما در میان بگذارید:...

۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

ghalam313@chmail.ir



طی چند روز اخیر هاشمی رفسنجانی، در ادامه ی مواضع رادیکال و غیر انقلابی خود، و در راستای زمینه سازی برای

آغاز مذاکرات دولت با طرف آمریکایی، بر سر توان دفاعی جمهوری اسلامی و خاصه موشک های بالستیک ایران، حساب کاربری هاشمی در توئیتر جمله ای از هاشمی منتشر نمود که دنیای آینده را دنیای گفتمان ها خوانده بود و مدعی شده بود در جهان پیش رو، قدرت نظامی و موشک، مطلقا کارایی ندارد و همه ی امور با مذاکره و نشست و برخاست های دیپلماتیک، به سامان می گردد.

صرف نظر از اینکه تاکید و تکیه صرف، بر قدرت نیز، خود ناشی از یک گفتمان میتنی بر اقتدار طلبی است و جناب هاشمی، مفهوم گفتمان را به درستی درک نکرده است؛ این ادعا که در دنیای فرارو، تسلیحات و جنگ افزارها به طور کلی کارایی خود را از دست خواهند داد، ادعایی گزاف است که به تعبیر امام خامنه ای، یا از روی ناآگاهی و جاهل است و یا این سخنان با سوءنیت و با قصد خیانت و اضرار به کشور، ایراد شده است.

تورق کارنامه ی سیاسی هاشمی، این سیاستباز قهار، مبین این نکته است که

جهالت یا خیانت، مسئله این است...

ملحوظ داشتن سخنان سخیف وی در باب اقتدار موشکی ایران، به حساب جهالت و ناآگاهی هاشمی، چندان منطبق با واقع نیست و شوربختانه شیطان بزرگ، تمنیات پلید خویش را از زبان جناب هاشمی، بیان می کند.

هاشمی رفسنجانی، شخصیتی است که دیرزمانیست در سپهر سیاسی ایران، نقش آفرینی می کند و در این مدت مدید که مشق سیاست می کند تا بدان پایه، آبدیده گشته است که حتی نوشیدن جرعه ای آب را نیز با محاسبه ی تبعات احتمالی آن انجام می دهد.

در سیاس بودن هاشمی همین بس که وی کسی بود که آیت الله منتظری را بر خلاف میل امام(ره) به قائم مقامی رهبری رساند، چندی پس از آن با معاضدت نخست وزیر وقت، جام زهر را به امام راحل تحمیل کرد، او همچنین با سیاست ورزی، سرسخت ترین منتقدان در دوران ریاست جمهوری اش، همانهایی که روزی نبود که در جراید و مطبوعات خود، اهانتی نثار هاشمی نکنند و انواع و اقسام اتهامات را به وی منتسب نکنند را امروز در

وضعیتی قرار داده که وی را تا مقام پدر معنوی خود، بالا برده اند و در تنگناها دست به دامان وی می شوند؛ وی همچنین در راستای محقق نمودن منویات بنیامین نتانیاهو، با شانتاژ و پروپاگاندا، کاری کرد که در برهه ای کوتاه از زمان، بودن با احمدی نژاد، تبدیل به یک ننگ گردد و قس علی هذا...

علیهذا، بسیار دور از ذهن می نماید که رویه ای که هاشمی رفسنجانی پیرانه سر، در پیش گرفته است ناشی از عوارض کهنسالی و زوال قوای دماغی، باشد و در نتیجه، همان فرضیه ی عامدانه و «خائنه» بودن اظهارات هاشمی، قوت می گیرد.

به هر تقدیر، جناب هاشمی را به عبرت آموختن از سرگذشت رقت بار آیت الله منتظری، دعوت می نمایم و یاد آور می شویم که:

چراغی را که ایزد بر فرزند هر آنکس پف کند ریشش بسوزد

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

شور بختانه، شیطان بزرگ، تمنیات پلید خویش را از زبان جناب هاشمی بیان می کند.

چراغی کمک به سوریه و لبنان...

چراغی که به خانه، روا نیست!

بشوند صدای مسلمانی را که فریاد می کند: مسلمانان به فریادم برسید. و به او کمک نکند مسلمان نیست»

شیخ اجل، سعدی(علیه الرحمه) نیز که پرورده ی این مکتب متعالی در این باب گفته است: «تو کز محنت دیگران بی غمی/نشاید که نامت نهند آدمی»

علاوه بر رویکرد اسلام، در جهان غرب نیز طی سده های اخیر، تفکرات «دیگر گرایانه» توسط فلاسفه و جامعه شناسانی نظیر دیوید هیوم، آگوست کنت، آرتور شوپنهاور، تئوریزه گشت و مکتب آلتوریسم(altruism) را پدید آورد.

در نقطه ی مقابل آلتوریسم، مکتب اگوتیسم قرار دارد که اصالت را به سود شخصی می دهد و می توان از آن با تعبیر «خویشستن پرستی» یاد کرد.

چنانچه به مبانی فلسفی این مکتب نیز معتقد باشیم و نظام فکری خود را با مفاهیم آن، سامان دهیم باز هم ضرورت مقابله ایران با تروریسم در خارج از مرزها، نمایان می گردد.

به اذعان سیاستمداران غربی، در این نبرد، داعش به نمایندگی از آمریکا و اذناش می جنگد و جبهه ی مقاومت نیز ایران را در این میانه، نمایندگی می کند و این درگیری یک جنگ نیابتی(proxi war) به منظور

همه ی ما شعار سخیف «نه غزه، نه لبنان» را به کرات از زبان اپوزیسیون خارجی و فورمیست های داخلی، شنیده ایم؛ اینک اما با توجه به افزوده شدن سوریه و عراق به شمار کشورهایی که تحت پشتیبانی نظامی ایران در قالب عملیات مستشاری قرار گرفته اند، بدخواهان و مهره های استکبار، این شبهه را در افواه پراکنده اند که با وجود مشکلات اقتصادی و فقر و بیکاری فزاینده، چرا امکانات کشور را صرف دفاع از سایر ملل می کنیم و چراغی را که به خانه رواست، نذر مسجد می کنیم؟

از دو منظر می توان به پرسش فوق پاسخ داد.

اول آنکه این اقدام جمهوری اسلامی، بر پایه ی نوع دوستی و کمک به مظلومین است چرا که هم دین مبین اسلام، ما را به این مهم رهنمون می سازد و هم پاره ای مکاتب بشری، داعیان چنین تفکری اند.

قرآن و منابع روایی ما، مشحون و آکنده است از دعوت به «دیگر دوستی» و ترک خودخواهی.

امیر مؤمنان(ع) در وصیت نامه خویش می فرماید: «کونوا للظالم خصما و للمظلوم عونا» دشمن ظالمان و یاور مظلومان بودن که حضرت علی(ع) بدان، تاکید دارند جلوه ای از دیگر دوستی است چرا که برای تحقق این امر، ناگزیر از تحمل هزینه خواهیم بود و مشقت هایی بر ما، بار می شود.

رسول اکرم(ص) نیز بدین نکته تاکید دارند تا جایی که می فرماید: «هر کس

خواه از دریچه ی تعالیم اسلامی، به این امر بنگریم و چه از منظر مکاتب فکری - فلسفی غربی؛ و در میان این مکاتب نیز، چه به آلتوریسم معتقد باشیم و چه اگوتیسم را پذیرفته باشیم، همکاری با دولت های منطقه در جهت مقابله با تروریسم را امری ضروری و منطقی خواهیم یافت.

فتح سنگر به سنگر انقلاب اسلامی است و چنانچه صف اول مقاومت که همانا سوریه، عراق و لبنان می باشد، در هم شکند هدف بعدی داعش، هجمه به ایران خواهد بود.

فلذا عقل و منطق اقتضا می کند که واقعه را قبل از وقوع، علاج کنیم و با دشمن، کیلومترها فراتر از مرزهایمان، روبرو شویم تا خسارات و لطمات ناشی از آن متوجه کشورمان نگردد چرا که به تعبیر امیر المؤمنین(ع)، ذلیل و خوار نشد مگر قومی که درون خانه خود با دشمن جنگید.

به هر تقدیر، خواه از دریچه ی تعالیم اسلامی، به این امر بنگریم و چه از منظر مکاتب فکری - فلسفی غربی؛ و در میان این مکاتب نیز، چه به آلتوریسم معتقد باشیم و چه اگوتیسم را پذیرفته باشیم، همکاری با دولت های منطقه در جهت مقابله با تروریسم را امری ضروری و منطقی خواهیم یافت.

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |



مقتضیات زمان حال می طلبد که دیگر جهاد را صرفاً به معنای جنگ نگیریم.

برای رسیدن به پیشرفت های علمی و اقتصادی باید «جهاد گونه» عمل کرد.

که مخالف و سد راهش هستند، سعی می کند که در نهایت، به امری برسد. با توجه به همین معناست که امروزه مفاهیمی مثل جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی و... مطرح شده اند. همچنین، مقتضیات زمان حال می طلبد که دیگر جهاد را «صرفاً» به معنای جنگ نگیریم. با توجه به معنای جهاد، جهاد علمی و جهاد اقتصادی چگونه خواهد شد؟ می دانیم که جهاد علمی و نیز اقتصادی بیش از همه برای ایران امروز نیاز است؛ چرا که در شرایطی هستیم که هم نیازمند پیشرفت علمی و هم نیازمند تغییرات مثبت به سمت پیشرفت اقتصادی هستیم و اگر معنای جهاد را نهایت مشقت و تلاش برای رسیدن به حد اعلای امری، در نظر بگیریم تفسیر جهاد علمی و جهاد اقتصادی متفاوت خواهد شد. برای رسیدن به پیشرفت های علمی و اقتصادی باید «جهاد گونه» عمل کرد. با همان مشقت و نهایت تلاش...

| صالحه رضایی - حقوق ۹۲ |

...واکاوی مفهوم قرآنی جهاد...

جیم مثل «جهاد»

به همان مفهوم قدیمی باید به کار برود؟ یعنی تقابل نظامی؟ در قرآن، جهاد مفهومی کاملاً ارزشمند و مثبت دارد و به طور خاص به عمل مومنان اطلاق می شود. و لزوماً دارای شکلی نظامی نمی باشد. مثل جهاد اکبر که در آیه ۶۹ سوره عنکبوت آمده است و مفهومی سوای مقاتله دارد. همچنین از نظر لغوی نیز جهاد به معنای مشقت، تلاش و به کار گرفتن توان و نیروی خویش برای رسیدن به هدف است؛ لیکن چون از باب مفاعله است معمولاً در مواردی به کار می رود که نوعی تقابل و رقابت در آن وجود دارد. به همین دلیل است که در جهاد، معمولاً دو صف در مقابل هم قرار می گیرند و صف آرائی می کنند تا بر یکدیگر پیروز شوند.

از این معنای جهاد، متوجه می شویم که جهاد در کنار وجود نیروهای مخالف معنا می یابد. وقتی می گوئیم فردی جهاد می کند یعنی با وجود نیروهایی

جهاد، واژه ای است که در اولین تصور، جنگ را در ذهن متبادر می کند. پیشینه ی تاریخی اسلام موید این معنای جهاد است.

در قرآن نیز واژه جهاد و مشتقات آن حدود ۳۶ بار تکرار شده است یعنی در ۳۲ آیه از آیات قرآن از جهاد استفاده شده است. که رایج ترین معنای آن در قرآن، جنگ مقدس (به عقیده برخی از دانشمندان مغرب زمین) یا جنگ مشروع فی مثل برای نمونه می توان به آیات ۱۱۱ و ۱۱۹ سوره توبه و آیه ۴ سوره صف اشاره کرد.

با توجه به اینکه شرایط و اوضاع و احوال در صدر اسلام ایجاب می کرد که برای تثبیت و جهانی کردن دین جنگ هایی - البته این را هم باید در نظر داشت که بسیاری از این جنگ ها جنبه ی «دفاعی» داشته اند تا تهاجمی - صورت بگیرد، صرفاً این معنا از جهاد به ذهن متبادر می شد. در دنیای امروز چطور؟ با توجه به اصطلاح جنگ سرد که عمر چندانی از ارائه آن نمی گذرد و کم و بیش جایگزین جنگ نظامی شده است، جهاد که مختص دنیای اسلام است آیا «صرفاً»

هیئت متوسلین به کد خدا

«اگر قلدر محله خانه و اموال شما را به زور، غصب کند و شما نهایتاً با تلاش و زحمت او را مجبور کنید از بخش هایی از خانه تان بیرون برود آیا این نتیجه لطف آن زورگو است یا ثمره قدرت و تلاش شما؟» (امام خامنه ای) سخن از برجام بد فرجامیست که رهبری، بارها ضمناً و تلویحاً و گاهی به تمثیل موضع خود را راجع به آن بیان کردند و اخیراً با «خسارت محض» خواندش حجت را بر همگان تمام کردند ولی در عین حال، داعیان گفتمان و مذاکره، آن را «پیروزی بزرگ تصور می کنند». و سنگ آن را به سینه می زنند. برجامی که از بدو تصویب و قبل از آن مقام معظم رهبری بدان خوشبین نبودند و حرف آخر را همان اول زدند و این مسئله را گوشزد نمودند که مردم د ر جریان این مذاکرات هر چه بیشتر درخواهند یافت که استکبار و غرب و آمریکا غیر قابل اطمینان بوده اند و همیشه خواهند بود.

ای کاش مسئولان کشور چشمانشان را باز می کردند و به جای دفاع بی چون و چرا از مذاکرات و طرح پیشنهادیشان، کمی هم توصیه های ولی فقیهشان را مد نظر قرار می دادند و به جای تعصب های جناحی و دیپلماسی لبخندشان، بصیرت انقلابی و ولایی داشتند و کمی هم تاریخ کشورشان را می خواندند برای یاد آوری آنچه که بر گستره این مرز گذشته و آنچه که غرب در طی تاریخ بر سر ما آورده، که اگر تاریخ می دانستند تن به این ذلت نمی دادند.

با وجود تمام این مسائل قلب راکتور اراک مجروح شد، تاسیسات هسته ای با پلمپ شدن از کار افتاد و شرمنده شهدای هسته ای مان کردند.

گویی خودشان را به ندانستن یا بهتر بگویم نفهمیدن زده اند و در جهل مرکبشان دست و پا می زنند و سخت است که صورت مسئله را برایشان توضیح بدهی زیرا در نهایت با مغالطات و سخنان ضد و نقیض و در برخی موارد غیر منصفانه شان آن را پاک میکنند و حرف خود را بر کرسی می نشاندند همانگونه

گوشزد می کند و منافاتی با برجام و صلح جهانی ندارد شکی نیست، مسئله مهم تر همان تعهد ننگین است که در قطعنامه به دغل بازان غربی داده شده و اجازه داده که از هر دری تحریمی تحمیل کنند.

برجامی که با آن منویات رهبری که ترجمان آیات و روایات اسلامی است را زیر پا گذاشتند و به جای رفع تحریم ها؛ سبب بازگشت تحریم ها با دلایل دیگر شد و آمریکایی ها با اقداماتشان اثرات حداقلی و احتمالی را هم خنثی کردند تا تحریم ها کماکان گریبانگیر ملت ایران باشند و باید به حال بعضی از این مسئولین گریست که جمع کردن تاسیسات نظنز و فوردو و اراک را خدمت دانستند، پایمال شدن خون دانشمندان هسته ای را جشن گرفتند و گمان می کنند که با این کارها کدخدا باما مهربان میشود و قول داده چرخ معاش خلق خدا را بچرخاند...

کاش حواسشان باشد به خنده هایی که در کنار دشمن همیشگی انقلاب می زنند. کاش حواسشان باشد که آسیبی به نظام وارد نشود چرا که هرملتی که به آمریکا اعتماد کرد ضربه خورد و خوش بینی به آمریکا ساده لوحی محض بوده و خواهد بود و دیپلماسی ذلت، راه به جایی نخواهد برد و دور گردون نمی چرخد تا زمانیکه کسانی در سیاست باشند که اگر هزار بار هم از آمریکا نیش بخورند باز هم اعتماد می کنند و بدعهدی ها را توجیه می کنند و این افراد مسلماً آسیب های بزرگ جامعه اند و تا اوضاع اینگونه و سقف دستاورد ها قدم زدن با وزیر امورخاچه آمریکا باشد مدعیان اصلاح طلبی و «هیئت متوسلین به کدخدا» هم چنان دستاورد خیالی شان را روی سر میگذارند و حلوا حلوایش می کنند.

و در آخر، سخنم را با جمله ای تمام می کنم که جایی خواندم و چه به جا گفته است که: «آزایمر، عاجزانه از خداوند منان برای این جماعت طلب شفای عاجل می کند...»

درد آورده اند و با ساده انگاشتن و اعتماد پوچ به دشمن سرمایه و غرور ملی را به باد داده اند. دراینکه قدرت موشکی سپاه و نمایش آن همانا عزت و اقتدار ما را در منطقه به جهانیان

کاهش می دهد و در نهایت، به امری برسد. با توجه به همین معناست که امروزه مفاهیمی مثل جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی و... مطرح شده اند. همچنین، مقتضیات زمان حال می طلبد که دیگر جهاد را «صرفاً» به معنای جنگ نگیریم. با توجه به معنای جهاد، جهاد علمی و جهاد اقتصادی چگونه خواهد شد؟ می دانیم که جهاد علمی و نیز اقتصادی بیش از همه برای ایران امروز نیاز است؛ چرا که در شرایطی هستیم که هم نیازمند پیشرفت علمی و هم نیازمند تغییرات مثبت به سمت پیشرفت اقتصادی هستیم و اگر معنای جهاد را نهایت مشقت و تلاش برای رسیدن به حد اعلای امری، در نظر بگیریم تفسیر جهاد علمی و جهاد اقتصادی متفاوت خواهد شد. برای رسیدن به پیشرفت های علمی و اقتصادی باید «جهاد گونه» عمل کرد. با همان مشقت و نهایت تلاش...

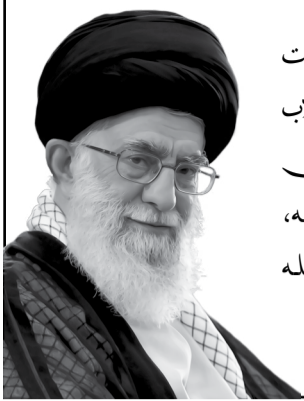
| گلنوم گلی - حقوق ۹۳ |

که طرح اجرای برجام را بدون تامل و در کمترین زمان ممکن تصویب کردند و در عرض بیست دقیقه ناقابل پرونده یکی از مهم ترین مسائل سیاسی کشور در دهه های اخیر را بستند. طرحی که دو ماه پیش از تصویب، توسط لاریجانی آماده شده بود در حالیکه هنوز برجام در کمیسیون ویژه اش در مجلس بررسی نشده بود و جالب تر آنکه پیش از آن گفته بود که برجام نیازی به بررسی در مجلس ندارد و بعد به دستور رهبری مجبور شدند به صورت فرمایشی بررسی اش کنند و زمانه از دست این باد پرستان چه ها که نمی کشد.

و کدخدا بارها و اخیراً با شدت بیشتر با تحریمهای جدیدش ما را مورد عنایت خود قرارداد (وه که دلم چه یاد از آن عهد شکن نمی کند) بهانه شان هم تست موشکی ایران است. و رای همه حرفهایی که می زنند سوال اساسی اینجاست که چرا ظریف و همراهانش در قطعنامه ی ۲۲۳۱ تعهدی را به آمریکا سپرده اند که دست شیطان بزرگ را برای تحریم های جدید علیه ایران باز گذاشته است با اینکه بسیاری از رلسوزان به دولتمردان گوشزد کردند که این تعهدیست که از اساس به ضرر ملت ما تمام خواهد شد ولی عده ای خوشبین این انتقادات و اشکالات را به سخره گرفتن دکه بیشتر آن هم به خاطر بایکوت رسانه ای و خبری دولت و همچنین حمله های شخص شخیص روحانی به منتقدانش بود که آنان را با الفاظ خود ساخته اش مورد لطف قرار داد و گویا با دوستان شداد و غلاظ است و با دشمنان اهل رفق و مدارا! و این نشئت گرفته از همان تفکر تسامح و تساهلشان با کفراست و آن گفتگوی تمدن هایی که برایش سینه چاک می کنند و جز ذلت و تحقیر و محور شرارت نامیده شدن ایران از جانب طرف آمریکایی چیزی بهمراه نداشت.

کسانیکه که دم از تدبیر می زنند همان ابو موسی اشعری صفاتی اند که دل آقا را به درد آورده اند و با ساده انگاشتن و اعتماد پوچ به دشمن سرمایه و غرور ملی را به باد داده اند. دراینکه قدرت موشکی سپاه و نمایش آن همانا عزت و اقتدار ما را در منطقه به جهانیان

کاهش می دهد و در نهایت، به امری برسد. با توجه به همین معناست که امروزه مفاهیمی مثل جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی و... مطرح شده اند. همچنین، مقتضیات زمان حال می طلبد که دیگر جهاد را «صرفاً» به معنای جنگ نگیریم. با توجه به معنای جهاد، جهاد علمی و جهاد اقتصادی چگونه خواهد شد؟ می دانیم که جهاد علمی و نیز اقتصادی بیش از همه برای ایران امروز نیاز است؛ چرا که در شرایطی هستیم که هم نیازمند پیشرفت علمی و هم نیازمند تغییرات مثبت به سمت پیشرفت اقتصادی هستیم و اگر معنای جهاد را نهایت مشقت و تلاش برای رسیدن به حد اعلای امری، در نظر بگیریم تفسیر جهاد علمی و جهاد اقتصادی متفاوت خواهد شد. برای رسیدن به پیشرفت های علمی و اقتصادی باید «جهاد گونه» عمل کرد. با همان مشقت و نهایت تلاش...



سپاه در تاریخ شناخته شده خود ما، یک پدیده کم نظیر و شاید بی نظیر است؛ یعنی سپاه، موجودی است که ولادت و رشد و نمای آن در صحنه انقلاب، آن هم در عرصه دشوارترین آزمون های انقلاب بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سایه روحیه انقلابی و معنویتی که از سرچشمه جوشان دل منور و روح مصفاي آن امام عارفان و قدوه صالحان، پیوسته می جوشید و بیش از همه، جوانان رزمنده و خالص سپاه و بسیج را سیراب می کرد، توانست نقش تعیین کننده ای در دفع حمله ایادی استکبار به جمهوری اسلامی، ایفا و حفظ و استمرار نظام را تضمین کند.

عکس و مکث

حاج آقا این بنده
خدا فقط دزد،
مثل آقازاده ی
حضر تعالیشاه دزد
نیست... آخخخ
بخشید حواسم
نبود مهدی جان
واسه مهریه خانمش
زندانه..



۲
اختیار دارید حاج آقا!
من انگشت کوچیکه پسر شما هم نمیشم!

1
شما رو که میبینم یاد
طفل معصوم، مهدی خودم میفتم
و خدمات فراوانش به جامعه!

telegram.me/Drsalaam



آقایون داداشای دولت،
انگار حالت پیش
فرضشون، ناسزاگویی
به منتقدینه... فکر کنم
بعضیا رقابت انتخاباتی
رو با دروغ سیزده بدر
اشتباه گرفته بودن
آخه یه چیزای دیگه
می گفتن...

اصلاحیه/ توییت قبل تقطیع شده بود، متن کامل این است:
دنیای فردا دنیای گفتمان هایی نظیر انقلاب اسلامی است نه
موشک های قاره پیما و بمب های هسته ای ...



هاشمی رفسنجانی
@rafsanjani_fa

دنیای فردا، دنیای #گفتمان هاست نه موشک ها...
#هاشمی #هاشمی_رفسنجانی

پیام غیر بازرگانی

«فراخوان همایش ملی نماز در فرهنگ رضوی»

علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت ذیل مراجعه فرمایند

<http://www.ebonyan.ir/>

تذکره الاشقیاء

۴ - محمد نوری زاد

محمد نوری زاد متولد ۱۳۳۱ در روستایی در شهرستان شهریار می باشد. نوری زاد فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۵۹ به عنوان مجری برنامه های جهاد سازندگی و روایت فتح آغاز کرد و در سال ۱۳۶۴ فارغ از تمام فعالیت هایش به مستند سازی روی آورد که مجموعه های «ما اهل مسجدیم» و «شب های رمضان» از آن جمله اند. تنفر شهید مرتضی آوینی به اندازه ای بود که او را به خاطر تفکرات گروهکی و عقبه ذهنی اش که وی یکی از همپیمانان دکتر بیمان به شمار می رفت، از روایت فتح عملاً بیرون راند.

مولای متقیان در توصیف انسان جاهل می فرماید: «لا تری الجاهل الا مفراطا او مفراطا؛ جاهل را نمی بینی مگر در حال افراط یا تفریط»

نوری زاد همواره قلم به نقد گشوده است. قلم او چه زمانی که برای انقلاب می نوشت و چه امروز که ضد انقلاب را مورد لطف و مرحمت خود قرار داده است، رگه هایی از افراط و تفریط را با خود به همراه داشته و دارد. او وقتی به نقد می نشست، هیچ نکته ای مثبتی را در طعمه های که به شکارش رفته بود، نمی دید.

«همانگونه که امریکا در طوفان های آخرالزمانی و در سیلاب عظیمی که به راه افتاده غرق خواهد شد، ما نیز اگر از اسلام و ولایت فقیه و حقیقت فاصله بگیریم و از کشتی نجات ولایت خارج شویم، غرق خواهیم شد و کسی وجود و بقاء ما را تضمین نکرده است.»

این بخشی از یک مقاله محمد نوری زاد در روزنامه کیهان است که در سلسله مقالاتی با عنوان «جهان پس از آمریکا» در دهه ۷۰ منتشر می شد. اما امروز حکایت مواضع محمد نوری زاد شنیدنی است. وی در بخشی از ششمین نامه خود به رهبر معظم انقلاب مدعی می شود:

انقلاب اسلامی در این ۳۰ سال به موفقیت دست پیدا نکرده و نتوانسته است که مدینه فاضله ای که وعده اش را می داد، بسازد.

مسئولین نظام و اطرافیان آن ها، مقصر اصلی در عدم توفیق انقلاب اسلامی هستند. مردم از اطراف نظام پراکنده شده اند و خدا هم حکومت اسلامی را دوست ندارد!

به دنبال اتخاذ مواضع ضد انقلابی از سوی محمد نوری زاد، وی از انجمن قلم ایران اخراج شد.

نمونه ای چند از اظهارات وقیحانه نوری زاد:

وی چندی پیش در فیس بوک خود نوشت: «اگر پیامبر همه استعدادش را در حذف برده داری بکار می گرفت و در این راه کشته می شد، بسیار پرفایده تر بود تا اینکه مردم را به نماز و روزه و... وادارد... کاش از اسلام نه نماز به یادگار می ماند، نه روزه و نه حج.»

وی همچنین در اظهاراتی به شرح ذیل، منکر شهادت حضرت زهرا(س) می گردد: «من هرگز داستان شهادت و پهلو شکستن وی را باور ندارم و همه ی این قصه ها را خرافه و دروغی ناجوانمردانه می دانم برای رفتن جیب شیعیان بدبخت تاریخ توسط ملایان و بازار گرمی حاکمان برای اختلاف افکنی و سرگرم کردن مردمان دوسوی این دعوا.»

اندر احوالات
«غلط کردم» های
تلویحی

انگار بعضیا دیدن
دوراهی جهالت و
«خیانت» خیلی
مفتضحانس راه
سومی به عنوان
«بلاغت» برگزیدن